

بجوش تا مس قلبت طلا کنی*

گزارشی از دهمین دوره مسابقات سراسری قرآن کریم سمپاد
تبریز، ۱۹-۲۱ تیرماه ۱۳۸۰

امسال تبریز حال و هوایی دیگر داشت، حال و هوای دوست، حدود ۶۰۰ نفر سمپادی از دانش آموزان راهنمایی و دبیرستانی قرآنی تا مدیران ستادی و مراکز همراه با «خودآمدها» و «باخودآوردها» از روز سه شنبه ۱۹ تیرماه در تبریز شهیدپرور، سرزمین علامه طباطبائی، ثقة الاسلام، علامه امینی، خیابانی، شهدای محراب مدنی و قاضی طباطبائی، شهریار و پروین اعتصامی، ستارخان و باقرخان و حماسه سازان ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ و دلبران آوردگاههای جنگ تحمیلی استکبار بر ملت مظلوم ایران بدست مزدوران بعثی، با آوای دلنشین قرآن کریم دهمین دوره مسابقات خود را در سال تحقق کردار و منش مولای متقیان امیرالمومنین علی علیه السلام آغاز نمودند. در مراسم افتتاحیه پس از تلاوت آیات روحبخش قرآن و اجرای سرود جمهوری اسلامی ایران، آقای دواساز، سرپرست دفتر تبریز خوش آمد صمیمانه ای گفت و در انتها با سروده خود میهمانان را بسیار مشعوف ساخت. پس از آن پیام ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی به دهمین دوره مسابقات سراسری حفظ، قرائت و مفاهیم قرآن کریم یادواره مولای متقیان امیرالمومنین علی (ع)، توسط سرپرست سازمان و مشاور فرهنگی رئیس جمهور به شرح زیر قرائت گردید:

* بجوش تا مس قلبت طلا کنی، ورنه بکوش بیهده تا کیمیا توانی یافت

استاد شهریار

بسم الله الرحمن الرحيم

دهمین دوره مسابقات سراسری حفظ، قرائت و معارف قرآن کریم سمپاد را در دوران پانزده ساله حیات پربار استعداد‌های درخشان و در سال تحقق کردار و منش مولای متقیان امیرالمؤمنین علی (ع) شاهد هستیم. اندیشه و تفکر، دانش‌اندوزی و فن‌آوری، علم بومی و جایگاه جهانی در سایه تعالیم قرآن کریم و رهیافتهای این ودیعه الهی تمام زمانها، اهداف عالی آموزش بهترین استعداد‌های این مرز و بوم را در طی این دوران تشکیل می‌داد.

ایران اسلامی که رهایی از طاغوت و عزت و استقلال خود را در سایه تمسک به آیات الهی و انوار تابناک قرآن کریم، این کتاب هدایت و جهاد به کف آورده بود، در سایه تعالیم انسان ساز و رشد دهنده این موهبت آسمانی، راه توسعه و بالندگی را در پیش گرفت و ارج نهادن به استعداد‌های خدادادی و به حاصل رساندن سرمایه‌های جاویدان این سرزمین را شکران نعمت تلقی نمود.

فرهنگ قرآنی راهبر انسان‌ها با درک تواناییها و تنوع‌ها و سوق دادن او به سوی آینده‌ای روشن، پاکیزه و شفاف در محیطی امن و با سعادت است که راههای کسب دانش هموار و خردورزی و تعاطی افکار در آن طعمه و ابزار غوغا سالاران نخواهد گردید.

فرهنگ قرآنی، آزادی و کرامت انسانی را در قله‌ای رفیعتر از بالاترین تعاریف دست‌ساز بشری برای ما ارمغان آورده که حریم‌ها و حرمت‌های آن همه از نورند و تنها هیاهو و بی‌پروایی در آن انعکاس نمی‌یابد. این کتاب آسمانی را می‌خوانیم، ارج می‌گذاریم و بر اجرای دستورات آن پای می‌فشاریم، علما و دانشمندان ما چنین کردند. شهدا و اولیاء ما چنین بودند و مردمان نیک نهاد ما در دوران پر شکوه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس چنان نمودند.

ایرانیان زیرک و دانا همواره در طول قرون گذشته نقش شایسته و ماندگار خود را در پیشبرد علوم مختلف و اجزاء متنوع تمدن اسلامی ایفا کرده‌اند. جهانگیر شدن آزادی خواهی و رفع سلطه در قرن حاضر، نتیجه باشکوه خیزش امام عظیم‌الشأن و شیفتگان ولایت بود. نزدیک است روزی که شما دانش‌آموختگان استعداد‌های درخشان با تکیه بر سرمایه خدادادی و آموزشی که کسب کرده‌اید و در سایه تعالیم و معارف قرآن کریم، نقش سازنده خویش را در احیاء و تعالی تمدن اسلامی ایفا نموده و اسباب سربلندی، شکوه و اقتدار روزافزون این کهن ملت اندیشمند و شهیدپرور را فراهم سازید.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

○ بعد از اجرای یک سرود توسط دانش آموزان مدرسه راهنمایی شهیدمدنی تبریز حجت الاسلام و المسلمین مجتهد شبستری نماینده ولی فقیه و امام جمعه تبریز سخنان مبسوطی ایراد نمودند. در نهایت مدیرکل محترم آذربایجان شرقی جناب آقای تیزکار با صحبت کوتاه و پر مغز خود جلسه را به انتها رساند.

○ مسابقات از بعدازظهر روز سه شنبه ۱۹ تیرماه آغاز و همزمان نشست مدیران مراکز با سرپرست محترم سازمان در سالن تازه تأسیس مجتمع تبریز سمپاد، آغاز گشت. که در این نشست سرپرست سازمان رویداد ۷۹/۱۲/۱۰ که تجمیع سازمان در آموزش و پرورش به تصویب رسید را تا آخرین پیشنهادهای وزارت آموزش و پرورش که به صورت دوضرب ابتدا وضعیت مراکز و سپس سازمان در سال بعد دگرگون خواهد شد را به اطلاع مدیران رساند.

○ بازدیدها در کنار اجرای مسابقات بود به صورت ضربداری و سختی کار مفاهیمی‌ها نفسشان را برید و سخت تر از همه کار داوران مفاهیم بود که تا غروب روز پنجشنبه هنوز براساس قواعد سخت جدیدی که وضع شده بود در تردید معرفی گروههای برتر بودند و بالاخره هم ۱۷ نفر در چهار گروه دختر و پسر، راهنمایی و دبیرستان به عنوان برگزیدگان مفاهیم قرآنی معرفی شدند و چون داوران نتوانستند گروههای بعدی را نادیده بگیرند، جایزه جداگانه‌ای هم برای آنها تهیه و اهدا شد. طبق معمول سنواتی نفرات برتر این دوره از مسابقات را اعلام می‌کنیم با این توضیح که کرمان در سال آینده یادواره یازدهمین دوره مسابقات را با نام شهید بزرگوار انقلاب، نخست وزیر انقلابی حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدجواد باهنر که در حادثه هشتم شهریور ۱۳۶۰ بدست عوامل امریکایی به شهادت رسید، برگزار خواهد کرد.

○ و نکته آخر اینکه نفرات اول این مسابقات در مقطع خود از دور مسابقات خارج خواهند شد جز اینکه تغییر رشته بدهند یعنی از حفظ به قرائت یا مفاهیم بروند. البته کسانی که به مقطع جدید تحصیلی (یعنی از راهنمایی به دبیرستان) می‌روند نیازی به این تغییر رشته قرآنی ندارند.

○ ○ ○

برگزیدگان مرحله نهایی دهمین دوره مسابقات قرآن سپیدگرمیادداشت سال امیرالمومنین علی (ع)

تبریز - ۱۹-۲۱ تیرماه - ۱۳۸۰

راهنمایی دختران - قرائت		راهنمایی پسران - قرائت	
۱- المیرا دانشپور	فرزانگان تهران	۱- سیدمحمدعلی موسوی	شهید قدوسی قم
۲- سمانه عزیزی منش	فرزانگان اهواز	۲- عباس موحد	علامه حلی تهران
۳- زهرا تارا	فرزانگان تهران	۳- هاشم انوری	شهید بهشتی شهرری
		۳- حامد فلاح	شهید مدنی تبریز
راهنمایی دختران - حفظ		راهنمایی پسران - حفظ	
۱- زهرا دلخسته	فرزانگان لار	۱- سعید مهاجری	علامه حلی تهران
۲- راضیه فدایی	فرزانگان امین اصفهان	۲- علی کاظم زاده	علامه حلی تهران
۳- سارا مشحون	فرزانگان تهران	۳- مجتبی باقری	شهید بهشتی شهرکرد
۳- ریحانه حاجی زاده	فرزانگان تهران		
راهنمایی دختران - حفظ ویژه		راهنمایی پسران - حفظ ویژه	
۱- نگار مقیمی	فرزانگان اراک	۱- محمد نظیری	شهید بهشتی بیرجند
۲- مرضیه سواری	فرزانگان قم	۲- علی فرهنگی	شهید بهشتی زنجان
گروه برگزیده مفاهیم راهنمایی (دختران)		گروه برگزیده مفاهیم راهنمایی (پسران)	
فائزه اژه‌ای	فرزانگان تهران	ابراهیم پوراسماعیل	علامه حلی اراک
سارا بیگی	فرزانگان تهران	محمدایمانی چشم طاقی	شهید بهشتی آبادان
پریسا دلفانی	فرزانگان تهران	حسین نصیریان	شیخ انصاری دزفول
فاطمه بستانی	فرزانگان قم	محمدامین آل آقا	شهید بهشتی کرمانشاه
شادی شواخ	فرزانگان قم		
دیبرستان دختران - قرائت		دیبرستان پسران - قرائت	
۱- زهرا توجهی	فرزانگان کاشان	۱- حسین محسنی	علامه حلی همدان
۲- فاطمه عامری	فرزانگان شاهرود	۲- عبدالصالح خسروبیگی	علامه حلی اراک
۳- منیره قربان زاده	فرزانگان قم	۳- مرتضی طامندی	شهید بهشتی بیرجند
		۳- محمدرسول ابراهیمی	علامه حلی تهران
دیبرستان دختران - حفظ		دیبرستان پسران - حفظ	
۱- زینب محمدی پور	فرزانگان شاهرود	۱- سیدمحمدرضا فرجی	شهید قدوسی قم
۲- فاطمه نیکنام	فرزانگان تبریز	۲- سعید خراشانی زاده	شهید هاشمی نژاد مشهد
۳- منصوره باقری	فرزانگان شیراز	۳- حمید قرائیان	شهید بهشتی سمنان
۳- سحر اولادزاده	فرزانگان قائم شهر		

دبیرستان دختران - حفظ ویژه		دبیرستان پسران - حفظ ویژه	
۱- راضیه سلیمی	فرزانگان قم	۱- محمد مصطفی پور	میرزا کوچک خان رشت
۲- زینب رستمی	فرزانگان اراک	۲- طه شوکتیان	شهید هاشمی نژاد مشهد
		۳- امیرحسین نخودکار	شهید بهشتی کاشان
گروه برگزیده مفاهیم دبیرستان (دختران)		گروه برگزیده مفاهیم دبیرستان (پسران)	
فاطمه توکلی	فرزانگان همدان	سیدحسن کیایی	علامه حلی تهران
زهرامد	فرزانگان اردبیل	محمد ترک یلماز	علامه حلی تهران
اعظم زارع	فرزانگان زاهدان	علیرضا خوشنویس	علامه حلی تهران
الهام فتحی آذر	فرزانگان تبریز	شایان صادقی	علامه حلی تهران

در ادامه:

ره آورد دهمین دوره مسابقات سراسری قرآن کریم سمپاد - بزرگداشت امام علی (ع)

تبریز - تیرماه ۸۰

○ خوش آمدگویی سرپرست دفتر تبریز:

ما را در دل، برویتان باز
با این همه گل کنون کنندان
با دیدن عاشقان اعجاز
با هم به دیار ما هم آواز
هر تک تکشان اصیل و ممتاز
هر شهر ز میهن سرافراز
تبریز عزیز غرق اعزاز
صد شکر به خالق سبب ساز
ناچار روم سراغ ایجاز
سخت است سخن نمودن ابراز
قربان حضورتان، «دواساز»

ای خوش قدمان محفل راز
تبریز به صد هزار گلشن
ریزد تب انتظار تبریز
مجموعه بلبلان قرآن
از هر چمنی گلی رسیده
مدیون خودش نموده ما را
گشتست ز کثرت عزیزان
صد شکر به این وفور نعمت
فرصت کم و گل زیاد و من هم
از لطف شما بزرگواران
این آخر و مخلص کلام است

○ رویای سلیمان نبی

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَ أَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَداً ثُمَّ أَنَابَ. قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي
مُلْكاً لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ. ص. ۳۴-۳۵

سلیمان در مقام امتحان چون پیکری بی جان را بر فراز تخت حکومت خود دید، بسوی
خدا انابه کرد و از خدای خویش خواست که مرا ببخش و ملکی به من ارزانی دار که هیچ
کس پس از من لایق آن نباشد. که خود بسیار بخشنده‌ای.

○ رویای یک شب تابستانی

یک تکه زمین بایر و بی مصرف در دامنه تپه‌ای سنگی بی قاعده و لَش، نه چشمی به سویش
نگران است و نه دیدگانی را به سوی خویش جلب کرده است. مسافران سواری‌هایی که از
کمربندی و خیابانهای اطرافش می‌گذرند در افق دیدشان، آخر آخر، این زمین را بیابانی مثل همه
بیابانهای رها شده می‌بینند.

مدیران کل خیلی محترم میلی به قدم زدن در آن ندارند، کفشهای واکس زده خاکی می‌شود و
بر پاچه‌های خیلی تمیزشان گرد می‌نشیند، و این تکه زمین در تبریز بود و این تکه زمین در اصفهان
بود، و این تکه زمین در مشهد بود و این تکه زمین در قم بود و این تکه زمین در ارومیه بود و این
تکه زمین در ساری بود و این تکه زمین در شیراز بود و این تکه زمین در کرج بود و این تکه زمین در
قزوین بود و این تکه زمین در همدان بود و این تکه زمین در یزد بود و این تکه زمین در اهواز بود و
این تکه زمین در آبادان بود و این تکه زمین در رشت بود و این تکه زمین در شهری، شاهرود،
سمنان، بیرجند، بجنورد، قائمشهر، گرگان، ایلام، زاهدان، کرمان، اراک، کرمانشاه، بندرعباس، شهرکرد،
خرم‌آباد، سنج، نیشابور، اردبیل، کاشان بود و...

و در رویای هیچ مردی نمی‌گنجید که زمینهای مرده روزی حیات یابند و مسافران همیشگی
سواری‌های رهگذر سر برگردانند و گردن خم کنند، و در رویای هیچ مردی نمی‌گنجید که این
خاک بی مقدار چه گوهرهایی در دل خویش پنهان کرده و این عمارتهای با شکوه چگونه از دل
آن سر برآورده.

○ رویای نان خشک بودن

پیاده روهای شهر ما آکنده از خاکروبه است. آشغال، خرده‌ریز ته مانده. در معابر شهر ماهمه

چیز یافت می‌شود. مردمان بی‌حسند و حال. به راه رفتن از میان این دور ریختنی‌ها عادت دارند. ولی، حتی، یک تکه نان خشک در روی زمین پیدا نمی‌شود. هیچ‌کسی در هیچ شهری دل‌لگد کردن یا رد شدن از روی بند انگشت نان خشکی را ندارد. نانهای خشک محترمند. مردمان به احترام خم شده، آنرا می‌بوسند و در کنارگذری امن جای دهند. نانهای خشک از له شدن در جریان روزمره مصونند.

صدها استعداد برجسته و ناب این مُلک خشکیده از بی‌طراوتی شوره‌زار آموزش، کنارگذری امن می‌طلبیدند تا از لگدشدن زیر قدم روی پرطمطراق آموزش عمومی نجات یابند.

وقتی در آن زمین مرده حیات جاری شد و آن کنارگذر امن حاصل شد این استعدادها دمی به آسودگی گذران کردند. آیا رویای ارج داشتن به قدر نان خشک برای یک استعداد ناب زیاد است؟

○ رویای رسیدن به تبریز - ۱

از بین چند هزار نفری که مراحل پیچیده و متعدد راهیابی به مرحله نهایی دهمین دوره مسابقات را سپری کردند فقط برای معدودی - حدود سیصد تن - توفیق حضور محقق شد. اوایل شهریورماه جلسات مقدماتی برگزار گردید. تهیه آیین‌نامه اجرایی مسابقات، زمان‌بندی، تعیین منابع، طرح و انتخاب سؤال تا طرح مسابقات رفت و برگشتی در سراسر کشور برای رشته‌های حفظ و قرائت که منجر به انتخابی عام از نفرات ممتاز تمامی مراکز آموزشی گردید و شهد شیرین حضور در همایش بزرگ قرآنی سمپاد را در سراسر میهن اسلامیمان پراکند. بسیاری از مراکز که حضور کاروانهای دو نفره برایشان رویایی بیش نبود با پذیرفته شدن برگزیدگان برای پی‌گیرترها! خود رو برو شده و موجی از شادی و نشاط فراگیر شد. مشهد و یزد و شاهرود و اراک و قم همت والای خویش ارزانی کرده و میزبانی مرحله منطقه‌ای را پذیرا شدند و به شایستگی تمام چنانچه در وصف نیاید و موجب تشویق و قدردانی بسیار است از دلدادگان قرآنی پذیرائی کرده تا جمع راه‌یافتگان به مرحله نهائی جمع شود و جمعی شادمانه روز شمار آغاز مسابقات در تبریز همیشه قهرمان باشند.

می‌ماند صدها کاروانی که به دعای خیر و باسلامت جابه‌جا شدند و مدیران زحمتکش و

خداجویی که بی استثنا هم به میزبانی قد راست کردند و هم در مهمانی نجیب بودند و قانع. می ماند معاونین تربیتی همیشه فعال و زحمتکش که دست در دست معلمین قرآن کریم مراکز کاروانها را آماده ساختند و راهها را هموار و بی توقع و چشمداشت کاروان بزرگ مسابقات قرآن کریم رایله کردند و منزل به منزل به سرانجام مقصود و حاصل رساندند.

صد درود و سلام و تحیت بر آنان و هزار آفرین و احسنت بر این همه رشادت و بزرگواری. بی جهت نیست که سمپاد از وجود قرآنیان لبریز است و در هر مقیاس و نسبت و قدر و اندازه ای بی رقیب و بی همتا است. قرآنیانش سرخوشند و هروله کنان سر در دیار عشق دارند. امسالی ها بهتر از پارسالی ها، پارسالی ها بهتر از امسالی ها همه خوبند و شاکر و امیدوار.

○ رویای رسیدن به تبریز - ۲

میل به نوشدن، به زنده بودن و روزآمدی در تمام شوون سمپاد موج می زند. یک مسابقه معارف (مفاهیم) ای که می تواند با چهار سوال تستی سرهم بندی تمام شود تبدیل می شود به یک حرکت نو با ابزار جدید که هر تکه اش جذّاب است و پرکشش. مسابقات یک مرحله ای برای راه یافتن به مرحله بعد، دو مرحله ای می شود و بیست گروه با ترکیب جغرافیائی متنوع چهار نفره و پنج نفره از راه یافتگان به مرحله نهایی تشکیل می گردد.

یک گروه، شامل زاهدان - تبریز - اردبیل - همدان

یک گروه، شامل اراک - بروجرد - دزفول - کرمانشاه

مرتبط با هم و همگی با استفاده از خدمات ماشینی روز آمد برای تحویل مجله ای که همه چیزش بوی تازگی می دهد.

کاری به غایت دشوار، در اجرا سخت و در داوری ناممکن.

کاری است ماندگار که همت و تلاش بی مانند گروهی دانشجوی دختر و پسر همه سمپادی و پرورش یافته در مکتب قرآن کریم، با اشتیاق و استعداد زائد الوصف دهها شرکت کننده موفق، به تحقق می پیوندد. مسابقات معارف قرآنی امسال مسابقات دیگری بود. یک مسابقات رویایی.

○ تبریز رویایی

هوای دلپذیر و خنکی جان افزا و باد روحبخش. پذیرائی خوب و به قاعده، نظم و

قاعده مندی برنامه‌ها، زیبایی ائل گلی با شکوه، زیبایی مسجدکبود و موزه شهر و مقبره الشعراء، زیبایی بازار بی نظیر تبریز و طبیعت شگفت‌انگیز و به یاد ماندنی کندوان فراموش نشدنی است. احترام مجتهد عالیقدر شهر، امام جمعه ارجمند تبریز به مهمانان نوجوان که بی تکلف در مراسم آغازین با آنان سخن گفت و مدیرکل فهیم آموزش و پرورش که خلاصه و گزیده رعایت حال بچه‌ها را نمود، ادب میزبان و فروتنی آنان یادگاری این شهر رویائی بود. پایان باشکوه مسابقات و دعای روحبخش کمیل که پس از نماز مغرب و عشاء در شب جمعه بیست و یکم تیرماه فضای زعفرانیه تبریز را عطر آگین ساخت و راه را برای خاتمه شیرین این همایش بزرگ هموار کرد از یاد نرفتنی است.

سوغات تبریز به جای خود، بچه‌ها کوله دار شدند آنهم چه کوله‌ای، چند جیب، پرجا و قشنگ همراه با یک جلد کلام‌الله نفیس، یک توپ فوتبال یا بسکتبال یا والیبال. یکی یک دانه تی شرت با آرم سمپاد هم، گل آرای این هدیه سازمان بود. مخلفات کاغذ و مداد و قلم و پوشه و شکلات هم به جای خود.

معارفی‌ها هم که حسابی جان‌کنند و در انتظار نوبت کار با دستگاه نه خوابیدند و نه جائی رفتند و نه درست و حسابی خوردند، یک ساعت رومیزی اضافه بر آنها که آمد تحفه برایشان شد که قدر روزگار و دقایق عمر را بدانند و ببینند قافله صنعت و فرهنگ دنیا نه معطل ما می‌ماند، نه سرعت و شتابش را با کاروان ما تنظیم می‌کند و نه ما وقتی دیگر برای از دست دادن داریم. تبریز رویایی، خیال شرکت دوباره برای نفرات اول حفظ و قرائت را از سرشان بیرون کرد و لوحهای نفرات برگزیده بدون درج رتبه و همراه با یک CD صحیفه امام یادآور اهداف عالی این همایش بزرگ و کوچک بودن رقابت‌ها و رتبه‌ها در برابر آن بود.

○ رویای ثقة الاسلام

همه در سالن نشسته‌اند. تمامی دخترهای شرکت‌کننده در مسابقات قرآن کریم. ردیف اول سرپرست محبوب سازمان با معاون تربیتی ارجمندش و معاون آموزشی قدیمی‌اش که خانمی است رشیده و سالها است خاک خدمت در این سرای تربیت سرمایه‌های ناب میهن اسلامیمان را می‌خورد. بانویی شخیص و همسر شهیدی گرانقدر وارد می‌شود و به بزرگتر همه ما تحیت و سلام می‌گوید.

«آقای دکتر اژه‌ای دانشسرا را منور فرمودید، به ما و دانشجویان بسیار افتخار دادید که تشریف آوردید چشم ما را روشن کردید» و سپس آقای دکتر برای بچه‌ها صحبت کردند و در انتها بعد از جلسه پرسش و پاسخ هدایای آنان را دادند و جلسه با نماز جماعت به پایان رسید.

سرپرست سازمان غیر از جلسه با مدیران ستادی و مراکز، چهار جلسه با بچه‌ها داشتند. یکی در دانشسرا، یکی با پسرها در محل مرکز شهید مدنی، افتتاحیه و اختتامیه. هرگلی بوئی دارد ولی صحبت ایشان در دانشسرا چیز دیگری بود.

شاید هدیه‌ای بود نثار روح شهید ثقة‌الاسلام که در حیات همان دانشسرا، روسها به دارش زدند. دانشسرای کهن سال تبریز میزبان قرآنیان ماکه در آن ده گروه معارف قرآنی دست به تحقیق و تألیف زدند و یکصد قاری و حافظ عطر قرآن را در فضا جاری ساختند شنوای سخنانی بود که طراوت دیگری داشت. هدیه‌ای به روح ثقة‌الاسلام که در رویای خویش نمی دید در مقتل او احیاگر آموزش استعداد‌های درخشان این مرز و بوم در جمع قرآنیان یاد از شمع وجود او آورد.

○ رویای در هم ریخته شهریار

تقدیم به تمام کسانی که در صد‌دند بیست سال تلاش برای احیای آموزش استعداد‌های درخشان را بر باد دهند.

حیدر بابا دونیا یالان دنیادی	دنیا دروغین دنیائی است
سلیمانان نوحدان قالان دنیادی	از سلیمان و از نوح باقیمانده دنیائی است
اوغول دوغان دژده سالان دنیادی	پسرزاد، درد افکن دنیائی است
هرکیم سیه هر نه وریپ آلیب دی	هرکس را هر چه داده گرفته است
آفلاطونان بیر قوری آد قالیب دی	از افلاطون یک اسم خالی باقی مانده است
آما حیث کور تو دوغون بور اخماز	اما افسوس! کور آنچه را چسبید رها نمی کند

○ دواساز نامه به انضمام حواشی مسابقات

□ از آن جاکه گزارش را با شعر پراز احساس آقای دواساز سرپرست محترم دفتر تبریز آغاز کردیم حیف دیدیم در پایان خاطرات شیرین ایشان را نقل نکنیم.

در طول مسابقات، ستاد برگزاری و دست‌اندرکاران بهره‌های زیادی از مصاحبت با ایشان

برده و بهره‌و‌افری از همنشینی با ایشان کسب کردند که به ذکر مختصری از آن بسنده می‌کنیم:

□ جناب آقای دواساز در دیداری که با گروه برگزارکننده بخش معارف قرآنی داشتند، کار این گروه را خطیر قلمداد کرده و رسالت سنگینی را برای آن متصور گشتند. ایشان استفاده از فن‌آوری‌های جدید را نیاز امروزی دانسته و در اهمیت این امر، کار این گروه را با کار هنرمندان مقایسه کردند. ایشان فرمودند: «عزیزان من، توجه کنید، این کار خیلی حساس است. مثلاً یکی سریال امام علی (ع) را می‌سازد و بهشت را برای خود می‌خرد، یکی هم آدم برفی را می‌سازد و آتش جهنم را برای خود فراهم می‌سازد!».

□ پس از بازی فوتبال بین دو تیم پیشکسوتان و داوران جدید الاحداث که به دلایل شیرینی! ناتمام باقی ماند، جناب آقای دواساز با توصیه به حفظ روحیه ورزشکاری در جمع این عزیزان پرده از سابقه علاقه‌مندی به فوتبال خود برداشتند و پس از ذکر سوابق درخشان خود افزودند: «عزیزان من، اصلاً می‌دانید، من همان کسی هستم که بعد از بازی ایران و استرالیا و در اعتراض به پاره کردن تور دروازه ایران به رادیوزنگ زدم و کاملاً فارسی - طوری که استرالیایی‌ها هم بفهمند - گفتم که: استرالیا نه کانگورو، توری ایرانی پارا می‌کنی؟ بدبخت! ایرانی غیرت داره؛ شیکمتو پارا می‌کنه»

□ به رغم ضیق وقت تمام برنامه‌های تدارک دیده شده برای مراسم افتتاحیه به خوبی اجرا شد. آقای دواساز حیف دیدند مدعوین را از شنیدن یک سرود محروم بنمایند و در اواخر برنامه فرمودند: «هم اکنون گوش جان می‌سپاریم به سرود زیبای گروه راهنمایی شهید مدنی تبریز که به علت کمبود وقت اجرا نمی‌شود!»

□ بستنی آخر اختتامیه در آن شب سرد بچه‌های قدیمی مسابقات را یاد یک کوهنوردی چند سال پیش و فتح قله سبلان در محضر آقای دواساز انداخت؛ چه خاطره‌ای بود. آقای دواساز با یک کوله سنگین در نیمه‌ی مرداد ماه در جلوی صف و ما پشت او و همه عرق ریزان. وقتی به یک استراحتگاه رسیدیم، جلودار ما پس از خواستن یک لیوان چای داغ داغ و سرکشیدن آن فرمودند: «آخیش، جیگرم خنک شد!»

● در حاشیه ...

امسال واقعه‌ای نداشتیم که در حاشیه باشد چون جذابیت مسابقات در جای جای آن جاری بود. ولی چون «در حاشیه» از ضروریات یک گزارش مسابقه قرآن است، خودمان زحمت کشیده

و برخی خاطرات شیرین تر را به حاشیه راندیم!

□ حکایت زیره به کرمان بردن امسال به حکایت «شیرین عسل» به تبریز بردن تبدیل شد. چون «شیرین عسل» به یک پای تغییرناپذیر مسابقات تبدیل شده، جهت اطمینان! از تهران تأمین و به تبریز منتقل شد.

□ یکی از کرامات تبریز نصب پلاکارد به نفر بود، که در همه جا از ایستگاه قطار گرفته تا مراسم افتتاحیه و حتی اختتامیه هم مشاهده می شد!

□ از ابتکارات میزبان، در مورد خندق تاریخی آمفی تئاتر دانشسرا بود که به طرز جالبی استوار و تزئین گردید. در اینجا لازم است از زحمات بی شائبه مدیران مراکز تبریز، قدردانی کنیم.

□ نکته قابل توجه تجهیز سالنهای حفظ و قرائت خواهران، «گلدان ربایی» بزرگی از محل افتتاحیه مسابقات بود که به کمک برادران اجرایی به صورت فوق برنامه! اجرا گردید!

□ برپایی یک روزه سایت کامپیوتری در محل خوابگاه دانشسرا از نکات شگفتی آفرین مسابقات بود که با همّت خواهران اجرایی و کوشش شبانه‌روزی آنها برپا شد. از قرائن پیداست که مراکز تبریز تا مدت‌ها نیاز به «به روز» کردن کامپیوترهایشان نخواهند داشت!

□ تمهیدات انجام شده در بخش معارف قرآنی، موجب محروم ماندن برخی از برگزارکنندگان آن از رفتن به ائل گلی و باغلاباغی و کندوان گردید. در همین رابطه جهت اتمام به موقع نشریات شرکت کنندگان برنامه شب‌زنده‌داری در دستورکار قرار گرفت. بچه‌های مفاهیم و عوامل اجرایی پایه‌پای هم مشغول تایپ و اسکن و چسباندن و صفحه‌بندی بودند، حتی صبحانه هم در همان سایت به صورت سرپایی صرف شد!

□ از نکات قابل تأمل در جلسه پرسش و پاسخ ریاست سازمان با خواهران، تصحیح جهت بلندگوها در بین سخنرانی بود که بجای مستمعین، سخنران را هدف گرفته بود! به هر حال این هم یکی از مشکلات تبریز از آن لحاظ! بود که به برکت مسابقات قرآن برطرف شد!

□ حین اهدای جوایز دختران شرکت‌کننده در دانشسرای تبریز، یک نفر خدمت سرپرست سازمان رسیده و اظهار داشت: «آقای دکتر، اسم من اشتباه تایپ شده، اسم من آکوورماباجی نیست» (توضیح واضح‌تر: این جمله یعنی آبجی، دست نزن،...)

□ حکایت کوفته تبریزی و خورده شدن چند جفت انگشت و راهی شدن بعضی از بزرگان سازمانی به بیمارستان... فقط می توان این دو مصرع تغییر یافته از شهریار را زیر لب زمزمه کرد:

آقای دواساز یولوم سنن کج اولدی

آقای دواساز سنن سُرامنیم باشیم ساغ السون...

□ به علّت شدت باد و بوران در مراسم اختتامیه که در حیاط مرکز شهید مدنی برقرار بود، یک گلدان شبیه به همان گلدانهای سرقتی، از بالای پله‌ها سقوط آزاد نمود و به طرف مجری همیشگی اختتامیه‌های مسابقات قرآن، حمله‌ور گردید که توسط امدادهای غیبی در نیمه‌راه متوقف و منهدم شد. در این میان صلابت مجری در ادامه سخنان خود و توجه بیش از حد حضار به ایشان دیدنی بود!!

□ توجه! توجه! اگر میکروفون اختتامیه ناگهان ناپدید شد، اصلاً نگران نباشید. مدیریت فوق برنامه در خدمت اطلاع رسانی شفاف در سطح وسیع!

